

جنايات جنگی و بررسی این مقوله در گروه تروریستی داعش در عرصه حقوق بین الملل

مینا رستمی^{۱*}

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نسوج، ایران

*نویسنده مخاطب: مینا رستمی، minarostami.law@gmail.com

چکیده

گروه داعش یا دولت اسلامی عراق و شام یک سازمان تروریستی است که عمده فعالیت آن در کشورهای عراق و سوریه می باشد. این گروه خودش را دولت اسلامی عراق و شام می نامد و مناطق وسیعی از کشورهای عراق و سوریه را فتح نموده است اما به دلیل اینکه تا کنون هیچ کشوری این دولت خود خوانده را به رسمیت نشناخته است نمی توان نام دولت را بر آن نهاد. شورای امنیت سازمان ملل متحد داعش را یک گروه تروریستی نامیده و آن را در لیست تحریم های سازمان ملل علیه القاعده قرار داده است. این شورا نتوانسته است به وظیفه اصلی خود که همان حفظ صلح و امنیت بین المللی است عمل نموده و تاکنون اقدام موثری جهت برقراری صلح و امنیت در کشورهای عراق و سوریه انجام نداده است. داعش در کشورهای عراق و سوریه در یک مخاصمه مسلحانه داخلی شرکت دارد و جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت، و نسل کشی را مرتکب شده است. وظیفه حفاظت مردم در مقابل جنایات این گروه و پیگیری جنایات آنها در عراق و سوریه به عهده دولت های این دو کشور می باشد و از آنجایی که این دولتها توان حفاظت از مردم را ندارند این مسئولیت به جامعه بین المللی باز می گردد و مسئله مسئولیت حمایت مطرح میشود. مراجع قضایی صالح برای پیگیری جنایات داعش در وهله نخست دادگاههای عراق

و سوریه میباشند اما به دلیل عدم توانایی این کشورها در محاکمه افراد داعش نیاز است تا این پرونده در دیوان کیفری بین المللی مطرح گردد و چون این دوکشور عراق و سوریه اساسنامه این دیوان را امضا ننموده اند، این مرجع قضایی بین المللی صلاحیت پیگیری این جنایات را ندارد و تنها با ارجاع این پرونده توسط شورای امنیت سازمان ملل متحد می توان افراد جنایتکار داعش را در دیوان کیفری بین المللی محاکمه و مجازات نمود . در این تحقیق هدف اصلی بررسی جنایت جنگی این گروه تروریستی و مسائل مرتبط با آن می باشد.

واژه های کلیدی: جنایات جنگی، تروریسم، داعش

مقدمه

جنایت جنگی، نقض مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه بین المللی است. جرم جنگی به عنوان یک پدیده ی جزائی، جزء جرائم بین المللی می باشد. تعریف جنایت جنگی سابقه ی طولانی ندارد و برای اولین بار در عهدنامه ی لاهه مورخ ۱۹۷۷، به طور مبهم در مورد قوانین و عرف های جنگ بوده است. جنایات جنگی در خلال درگیری های مسلحانه صورت می گیرند، گرچه باید توجه داشت، هر جنایتی در این بین، جنایت جنگی محسوب نمی شود. جنایت جنگی باید پیوندی کافی با خود درگیری مسلحانه داشته باشد. جنایات جنگی مندرج در دو اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو، جنایاتی بودند که ارتکاب آن ها در خلال درگیری های مسلحانه بین المللی صورت گرفته بود. اساسنامه های مذکور جرائم جنگی را این چنین تعریف می کنند:

«نقض قوانین و رسوم جنگ عبارت است از بدرفتاری یا تبعید سکنه غیر نظامی نواحی اشغالی به منظور کار اجباری یا به منظور دیگر، قتل یا بدرفتاری با زندانیان یا افرادی که در دریا هستند، اعدام گروگان ها، غصب و غارت اموال عمومی یا خصوصی بدون جهت و یا هرگونه تخریبی که ضرورت نظامی آن را ایجاب نکند».(بند ب ماده شش اساسنامه نورنبرگ)

جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه یوگوسلاوی (سابق) به دو دسته تقسیم می شوند. ماده دو اساسنامه مذکور حاکی از ممنوعیت نقض های فاحش مقررات کنوانسیون های چهارگانه ژنو درباره ی حمایت از قربانیان درگیری های مسلحانه بین المللی، است. ماده ۳ آن، تخلف از قوانین و عرف های جنگ را ممنوع دانسته، آن ها را در قالب فهرستی ناتمام احصاء می کند. این ماده

درصد بیان حکم کلیه جرائم جدی بجز نقض‌های فاحش است و بنابراین می‌توان گفت که به نوعی نقش یک «اصل فراگیر» را ایفا می‌کند. بر این اساس جنایاتی از قبیل شکنجه هتک کرامت فردی، هرچند که صراحتاً ذکر نشده‌اند، نیز جنایت جنگی محسوب می‌گردند. جنایت جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه رواندا، جنایتی است که در یک درگیری داخلی رخ داده است. عنوان ماده ۴ این اساسنامه، تخلفات از ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی دوم، می‌باشد.

جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری به چهار گروه اصلی تقسیم می‌شوند. ماده هشت اساسنامه مذکور، جرائم جنگی را این‌چنین بیان می‌کند:

(۱) نقض‌های فاحش کنوانسیون‌های ژنو در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی.

(۲) دیگر تخلفات جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی، در چارچوب تثبیت شده‌ی حقوق بین‌الملل.

(۳) تخلفات جدی از ماده سه مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو در درگیری‌های مسلحانه غیربین‌المللی.

(۴) دیگر تخلفات جدی از قوانین و عرف‌های ناظر بر درگیری‌های مسلحانه فاقد خصیصه‌ی بین‌المللی در چارچوب تثبیت شده‌ی حقوق بین‌الملل.

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، فهرست جامعی از جنایات جنگی را ارائه می‌دهد. برخی از این نوع جرائم عبارت‌اند از:

(الف) حمله به نیروهای حافظ صلح و دیگر نیروهایی که تحت نظارت سازمان ملل، مشغول کمک‌ها بشردوستانه هستند.

(ب) تدارک حملاتی با علم به این‌که این حملات منجر به کشتار انبوه مردم بی‌دفاع می‌شود و یا آسیب‌های جدی و وسیع به منابع ملی وارد می‌سازد و در مقایسه با هر نوع هدف نظامی زیاده‌روی به شمار رود.

(ج) حملات عامدانه به اهداف غیرنظامی،

(د) سرپازگیری کودکان زیر پانزده سال، با این هدف که آن‌ها فعالانه در جنگ شرکت کنند.

ه) تجاوز و برده‌گیری جنسی سازمان یافته که گرچه مطابق ماده هفت جرم علیه بشریت است، اما در خلال مخاصمات مسلحانه در ردیف جرائم جنگی است.

با رویکرد عناصر افراطی و جنگجویان تشنه قدرت که ظاهراً برای تشکیل یک حکومت بین سرزمین عراق و سوریه مرتکب جنایات عدیده علیه بشریت شده اند و بسیاری از نیروهای فرا منطقه ای و مهاجران مسلمان مزدور و مقیم کشورهای امریکائی و اروپائی (غربی و شرقی) که خود را وابسته به شاخه های مختلف القاعده میدانند که فرزندان خلف وهابیت هستند و آبخشور فکری آنها از روحانیت سلفی - تکفیری سرزمین داغ عربستان نشات می گیرد. برخی از جنایات دسته جمعی توسط عناصر وابسته به دولت اسلامی (داعش) بوقوع پیوسته است که مصداق کامل جنایات جنگی است و اساس اسناد و شواهد و نظرهای کارشناسان حقوق جنگی بطور کلی مظهر جنایات جنگی محسوب میشوند. عملکرد این عناصر افراط گرا و تکفیری که دم از برگزاری خلافت اسلامی و موازین اسلامی در سرزمین سوریه و عراق می زنند، همه روزه سرفصل اخبار مهم جراید و خبرگزاریهای جهان بوده است که بخشی از عملکرد این عناصر افراطی را که تعالیم شان از وهابیت کور عربستان و روحانیت وابسته حکومتی آن سامان است را به جهانیان نشان داده است. اخباری هولناکی که از سوی خبرگزاریها منتشر میشود نشان و حاکی از بربریت و روح وحشی گریهای این تازه بدوران رسیده های دست پرورده سیاست های جهانی خصوصاً امریکا و ارتجاع عرب (عربستان که خواستگاه ایدئولوژی خشونت و تنفر را که زادگاه تکفیریهای مزدور است و لذا روح و وجدان بشریت از اقدامات آنها هر لحظه منجرتر می شود. مردم ستم دیده مناطق کرد نشین عراق و سوریه در گفت و گو با شبکه عراقی سومریه نیوزبارها تاکید کرده اند، عناصر داعش خشن تر و وحشی تر از گذشته شده اند و از کشتن هیچ جنبه ای دریغ نمی کنند. بیش از ۵۰ هزار نفر از ساکنان منطقه جولاء (۷۰ کیلومتری شمال شرق بعقوبه) به دلیل جنایت های داعش، ناگزیر از مهاجرت شده اند. صحنه های اعدام، غارت، تخریب منازل مسکونی از امور عادی منطقه جولاء توسط تیغ بدستان به اصطلاح جهادیان داعشی است. بر اساس این گزارشها، تعداد ساکنان مرکز جولاء ۵۶ هزار نفر بود از مرز ۹۵ درصد کل ساکنان منطقه فراتر رفته و بیشتر آنان به اردوگاه های پناهندگان که در اطراف بخش خانقین (۱۰۵ کیلومتری شمال شرق بعقوبه) برپا شده، پناه برده اند.

اقدامات طرفداران داعشیهای منحرف از اسلام واقعی در کشتار دسته جمعی که تصاویر فراوانی از این دسته اقدامات در رسانه های جهانی منعکس شده است، حاکی از بردگی جنسی زنان تحت عنوان جهاد نسوان، نسل کشی (پیروان ایزدیان)، قتل و غارت و

دزدی اموال عمومی، کشتار علنی روزنامه نگاران و سران قبایل بقدری چهره زشت از این گروهک منحرف تصویر کرده است که بنیان و حامیان گذشته آنها نیز از آنها بظاهر رویگردان شده اند و چندی قبل فرانسه محل برگزاری کنفرانسی برای هماهنگی سران اروپائی و اعراب برای مقابله با آنها گردید. بر اساس گزارشهای متنوعی اعضای داعش در مناطق تحت تصرف خود، زنان را مجبور به ازدواج کردن با خود می کنند. اکثر زنان استان رقه، به علت رفتارهای داعش در پی رها کردن خانه و کاشانه خود و ترک این استان هستند. یکی از زنان ساکن مرکز استان رقه اعلام کرد: داعش با زنان رقه همچون حیوانات رفتار می کند. زنان و دختران از رفتارهای داعش در شهر رقه و دیگر مناطق تحت تصرف این گروه تروریستی و تکفیری متنفر هستند؛ به نحوی که یکی از زنان ازدواج اجباری دختران با اعضای داعش را به تجاوز جنسی تشبیه کرد و گفت: داعش با توسل به زور یا با حيله پول و ثروت دختران را به ازدواج اعضای خود درمی آورد. یکی دیگر از زنان رقه تأکید کرد: داعش اکنون در پی اشباع غرایز جنسی خود است.

دیده بان حقوق بشر نیز اعلام کرد که شواهدی وجود دارد که نشان می دهد افراد مسلح گروه دولت اسلامی (داعش) بیش از ۵۰۰ تن را که در اوایل سال جاری میلادی در عراق به اسارت گرفته بودند، به قتل رساندند. خبرگزاری فرانسه اظهار کرده است گروه تروریستی داعش تصاویری را از ده ها شخصی منتشر کرد که لباس های غیر نظامی به تن داشتند و اعضای داعش به سمت آنها در منطقه ای صحرائی در عراق آتش می گشودند. داعش در این خصوص اعلام کرد که صدها تن را کشته است. دیده بان حقوق بشر اعلام کرد که اطلاعات به دست آمده از یکی از افرادی که از این حادثه نجات پیدا کرده و بررسی های صورت گرفته از فایل های ویدیویی و تصاویری که با ماهواره گرفته شده است، نشان می دهد که داعش سه پایگاه دیگر برای اعدام های دسته جمعی دارد که بدین ترتیب تعداد پایگاه های این گروه به پنج پایگاه می رسد. دختران جوان ایزدی که در منطقه "سنجار" عراق به دست داعش اسیر شده بوده در گفتگو با خبرنگار این روزنامه اظهار داشت: داعشیان پس از آن که ما را به اسارت گرفتند، اعلام کردند که باید مسلمان شویم تا با ما ازدواج کنند. وی در ادامه به اوج رذالت این گروه خوک صفت اشاره کرد و گفت: اعضای داعش پس از آنکه دختران و زنان جوان را با خود به منطقه "تل عفر" انتقال دادند و در آنجا مورد تجاوز خود قرار دادند.

تعریف جنایت جنگی

جنايات جنگى را نقض قانون‌ها و آداب و رسوم جنگى مى‌دانند، كه شامل و البته نه محدود قتل، برخورد ناشايست و يا اخراج اهالى ملكى مناطق اشغال شده به منظور گماشتن به كارهاى برده و ارانه يا به هر منظور ديگرى، قتل و يا برخورد ناشايست با اسراى جنگى يا اشخاص اسيرشده، كشتار گروگانها، غارت ملكيت‌هاى شخصى، ويرانى عمدى شهرها و روستاها در صورتى كه نياز نظامى قابل توجه وجود نداشته باشد است. ديده‌بان حقوق بشر هدف قراردادان عمدى شهروندان غيرنظامى را در طى يك جنگ، جنايت جنگى ميداند. جنايت‌هاى جنگى مانند خيانت در اعصار مختلف تاريخ به عنوان يك عرف در ميان كشورهاي متمدن بوده است بسيارى از اين عرف‌ها در ميان سال‌هاى ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ در كنوانسيون لاهه بررسى و طبقه‌بندي شد. مفهوم امروزي جنايت جنگى در سايه دادگاه‌هاى نورنبرگ بر پايه منشور لندنى دادگاه نظامى بين‌المللى به انگليسى (London Charter of the International Military Tribunal) در ۸ اوت سال ۱۹۴۵ ميلادى بوجود آمد. در کنار جنايات جنگى مفاهيم جديد مانند جنايت عليه بشريت و جنايت عليه صلح نيز تعريف شدند زيرا در زمان جنگ معمولاً جناياتى از اين دست نيز صورت مى‌گيرد. جنايات جنگ و جنايات عليه بشريت، جرائم بين المللى بشمار مى‌روند و همانند ساير جرائم موضوع حقوق بين المللى نظير جنايات عليه صلح، بر روابط ميان دولتها تاثير مى‌گذارند. ارتكاب اين جرائم حريم اين اعمال موضوعى است كه در چهارچوب حقوق بين الملل عمومى مطرح مى‌شود و منشا آن در هنجارهاى بين المللى نظير عرف بين المللى، اصول كلّى حقوق، رويه و آراى و نظريه‌هاى نهفته است. اين جنايات همچنين موضوع مقررات حقوق داخلى قرار ميگيرند. اين وظيفه به عهده قانونگذاران داخلى گذشته شده است كه جرائم بين المللى را با ضمانتهاى اجرائى كافى همراه سازند. به علت فقدان يك مرجع دادرسي كيفرى بين المللى دائمي، صلاحيت دادگاهها داخلى براى محاكمه عاملان اين قبيل جنايات پذيرفته شده است. با اين همه حقوق بين

الملل برتری خود را کم و بیش نسبت به حقوق داخلی حفظ کرده و رفته رفته با جای گرفته در نظامهای کیفری ملی، به سوی یکنواخت کردن آن گام بر می دارد.

اصول حاکم بر درگیری‌های مسلحانه

سه اصل، ضرورت، انسانیت و مروت، اصولی هستند که هدایتگر طرف‌های مخاصمه باید آن‌ها را رعایت کنند. به موجب اصل ضرورت، صرفاً اقدامات ضروری برای دستیابی به پیروزی مجاز است؛ بنابراین، باید میان اقدامات انجام گرفته و صدمات و ضایعاتی که به بار می‌آید تناسبی وجود داشته باشد. به موجب اصل انسانیت، میزان خشونت مشخص و اقدامات غیرضروری یا افراطی ممنوع می‌گردد. مروت به معنای رعایت انصاف و احترام متقابل میان نیروهای متخاصم است؛ از این‌رو، روش‌های جنگی ناشایست از قبیل خیانت یا حيله‌ی نامشروع ممنوع می‌گردد. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قواعد اساسی حقوق بشردوستانه بین‌المللی در درگیری‌های مسلحانه را به این شرح خلاصه کرده است:

(۱) افراد ناتوان از جنگ و کسانی که نقش مستقیمی در درگیری‌ها ندارند، از این حق برخوردارند که جان و تمامیت اخلاقی و جسمی آنان محفوظ بماند.

(۲) کشتن یا مجروح کردن دشمن تسلیم شده یا ناتوان از جنگ ممنوع است.

(۳) هر یک از طرفین درگیر، باید مجروحان و بیماران تحت اختیار خود را جمع‌آوری نموده و مورد مراقبت قرار دهد.

(۴) محترم شمردن حق حیات، کرامت، حقوق فردی و باورهای رزمندگانی که به اسارت در آمده‌اند و نیز غیرنظامیان تحت سلطه دشمن.

(۵) تضمینات قضایی اساسی برای تمام افراد.

(۶) عدم برخورداری طرفین درگیری و اعضای نیروهای مسلح آن‌ها از اختیار نامحدود در بکارگیری شیوه‌های جنگی که ماهیتاً تلفات غیرضروری یا رنج بیش از حد به جای می‌گذارند.

۷) طرفین درگیری همواره باید میان افراد غیرنظامی و رزمندگان تمایز قایل شوند تا به اموال و افراد غیرنظامی آسیبی نرسد. سکنه غیرنظامی و افراد عادی نباید هدف حمله قرار گیرند.

عناصر سازنده‌ی جنایات جنگی

عنصر قانونی:

عنصر قانونی در رابطه با جرائم جنگی را می‌توان این اسناد دانست: اساسنامه دادگاه یوگسلاوی (سابق)، اساسنامه دادگاه نورنبرگ و توکیو، جنایات جنگی مندرج در اساسنامه دادگاه رواندا، اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری و به طور کل مقررات و قواعد حقوق بشردوستانه‌ی بین‌المللی.

عنصر مادی:

عنصر مادی، اولاً، کلیه اشخاص را می‌توان به لحاظ جزایی مسئول ارتکاب جنایات جنگی قلمداد کرد. اصولاً هر جنایت را باید به‌طور موردی تحت بررسی قرار داد، بر این اساس افراد غیر نظامی نیز ممکن است مسئول ارتکاب جنایات جنگی شناخته شوند. دوم اینکه، به نظر می‌رسد هر فعل یا ترک فعلی که نقض مقررات حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد، می‌تواند به عنوان عنصر مادی این دسته از جرائم قلمداد شود.

عنصر معنوی

به نظر می‌رسد که صرف مغایرت اعمال با قواعد بشردوستانه، مکفی برای ارتکاب جرائم جنگی می‌باشد و عدم علم مرتکب به ممنوعیت این جرائم موجب تبری وی نمی‌گردد.

تقسیمات جنایات جنگی از حیث صلاحیت جهانی

جرائم جنگی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد.

الف) جرائم جنگی بین المللی که می تواند تحت عنوان تخلفات مهم از کنوانسیون های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، قرار گیرد.

ب) جرائم جنگی که در حوزه داخلی کشورها رخ می دهد. این دسته از جرائم به عنوان تخلف از ماده ۳ مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو و دیگر عرفها و قوانین قابل اجرا در منازعات مسلحانه غیربین المللی، هستند. ذکر این نکته لازم است که گرچه مرتکبین در هر دو حوزه داخلی و بین المللی دارای مسئولیت کیفری فردی هستند، اما در رابطه با صلاحیت جهانی رسیدگی به جرائم جنگی در حوزه داخلی، اختلاف نظر بسیار است. تعهد به مجازات جنایتکاران جنگی که در حین مخاصمات بین المللی مرتکب نقض قواعد حقوق بشردوستانه شده اند، تکلیف دولت های عضو کنوانسیون ژنو است، این مهم بدون در نظر گرفتن تابعیت جانی یا بزه دیده یا حتی محل وقوع جنایت جنگی در نظر گرفته می شود (این همان صلاحیت جهانی است). در رابطه با نقض های حقوق بشردوستانه در حوزه داخلی، بدلیل وجود مباحث حاکمیتی دولت درگیر، بعضی از حقوقدانان تعقیب جنایتکاران این جرائم را یا ممکن نمی دانند (به دلیل اینکه با حاکمیت دولت درگیر برخورد پیدا کرده و نوعی دخالت در امور داخلی اوست) و یا اینکه اختیار سایر دول در نظر می گیرند. برخی از نویسندگان تعقیب این جنایات را نه اختیار، که تکلیف دولت ها می دانند. در واقع، « در مقابل تخلفات عمده از حقوق بشردوستانه، چه دولت ها و چه سازمان ملل متحد حق انتخاب دارند که چگونه واکنش نشان دهند، ولی این حق در چهارچوب تعهد کلی به واکنش قرار می گیرد که در ماده ۸۹ پروتکل اول الحاقی مقرر شده است. مطابق این ماده، «در مواقع تخلفات عمده از کنوانسیون ها و پروتکل حاضر، طرف های متعاقد مکلف می شوند که به صورت جمعی یا انفرادی با همکاری سازمان ملل متحد و بر طبق منشور ملل متحد اقدام کنند». همان طور که می بینیم، ماده ۸۹ به صراحت دولت ها را مکلف به این امر می کند، چگونگی عمل بدان با خود دولت هاست.

فلسفه جنایت جنگی

برای سالیان دراز انسان به دست آوردن مقاصد خود را در گرو جنگ می دیده است. در تمام تاریخ بشریت نمی توان چند هفته ای متوالی را بدون جنگ دید. اما سال ۲۰۰۶ شاهد رقم خوردن فصل جدیدی از کتاب قطور تاریخ جنگ های انسانی بود. در این سال انسان متمدن قرن بیست و یکم ایده ای جدید در مورد جنگ ارائه داد که سال های سال تلاش دانشمندان و صلح طلبان را نقش بر آب کرد. در این سال و در حین جنگ لبنان، فرماندهی نیروهای دفاعی شمال اسرائیل (سرزمین های اشغالی) یعنی ژنرال گادی

آیزنکوت یک استراتژی نظامی جدید را معرفی کرد: دکترین ضاحیه. این استراتژی مجوز عبوری بود از خط قرمزهای اخلاق و عدالت در جنگ. بر اساس این دکترین، ارتش این اجازه را پیدا می‌کرد که به جای شناسایی و نابودی نقاط مشخص که در آنها احتمال وجود دشمن می‌رفت، تمام یک منطقه غیرنظامی را ویران کند تا ضمن کاهش تلفات نیروهای خودی (به خاطر جنگ رو در رو)، تمام جمعیت لبنان به خاطر اعمال (ادعایی) بخشی از جمعیت این کشور یعنی حزب الله مجازات شوند. این دکترین میان نظامی و غیرنظامی تفکیکی قائل نمی‌شد و به جای جنگ تن به تن و زمینی با حملات هوایی و موشکی طرف مقابل را مورد هجوم قرار می‌داد. عده‌ای این دکترین را انقلابی در جنگ مدرن دانستند. در نتیجه‌ی این دکترین بود که فاجعه‌ای انسانی در ضاحیه‌ی لبنان رخ داد.

دکترین ضاحیه معتقد است که باید به صورت عمدی به غیرنظامیان و زیرساخت‌های کشور حمله کرد تا مردم آن کشور که تحت فشار شدید قرار گرفته‌اند، نیروهای مبارز خود را وادار به تسلیم کنند. این استراتژی نظامی از سال ۲۰۰۶ توسط اسرائیل استفاده شده است. در جنگ ۲۰۰۸ همین مسئله در مورد غزه تکرار شد. به وضوح قابل رؤیت است که امروز نیز همین دکترین در غزه در حال اجراء است. شمار بسیار زیاد تلفات غیرنظامیان در غزه شاهده‌ی بر این ادعاست. تا ابتدای اوت 2014، نتیجه‌ی به کارگیری استراتژی مذکور ۱۲۰۰ کشته بوده است که در میان آنها ۲۴۱ کودک و ۱۳۰ زن نیز دیده می‌شوند. بر اساس آمارها، بیشتر از ۷۰ درصد کشته شدگان این جنگ غیرنظامیان بوده‌اند. بر اساس اظهارات مقامات اسرائیلی، ویران کردن مکان‌هایی مانند پناهگاه‌های سازمان ملل، مساجد و مراکز اسکان افراد مجروح و از کار افتاده یکی از اهداف اصلی نیروهای اسرائیلی بوده است. اسرائیل می‌گوید چاره‌ای به جز این کار ندارد زیرا نیروهای حماس، خود را در این محل‌ها پنهان کرده‌اند. البته این ادعای اسرائیل جدید نیست. در جنگ غزه نیز بهانه‌ی مشابهی برای حمله به اماکن غیرنظامی این منطقه استفاده شد. پس از این جنگ، سازمان ملل با تشکیل یک گروه حقیقت‌یاب تلاش کرد اتهاماتی که طرفین به یکدیگر وارد کرده‌اند را بررسی کند. در پایان این تحقیقات گزارشی تحت عنوان گزارش گلدستون ارائه گردید. این گزارش هیچ مدرکی دال بر استفاده‌ی حماس از بیمارستان‌ها به عنوان مخفیگاه پیدا نکرده بود. از هیچ آمبولانسی نیز برای انتقال سربازان مجروح یا مقاصد نظامی دیگر استفاده نشده بود. هیچ دلیلی وجود نداشت که حملات اسرائیل به اماکن غیرنظامی را توجیه کند. حتی اگر صحت چنین ادعایی ثابت می‌شد، باز هم دلیل برای چنین اقداماتی نبود. استفاده از غیرنظامیان برای مخفی کردن نیروهای نظامی - که ثابت شد اتفاق نیفتاده است - یک جنایت جنگی است. اما کشتن آن غیرنظامیان به خاطر این اختفا جنایت بزرگ‌تریست.

واضح است که چنین اقداماتی در راستای عمل به همان دکترین بوده است. امروز نیز جهان شاهد وقوع اتفاقاتی به مراتب فجیع تر از جنایت جنگی سال ۲۰۰۸ است. اسرائیل آشکارا از دکترین ضاحیه استفاده می کند. دکترینی که مصداق بارز استفاده مستقیم از « تروریسم دولتی » است.

"تروریسم دولتی" یا "تروریسم از بالا" عموماً به معنی استفاده‌ی نظام‌مند و بین‌المللی از خشونت است که علیه اهداف نظامی یا غیرنظامی صورت می‌گیرد و به دنبال ایجاد دلهره و ترس در میان مردم است تا برخی اهداف خاص سیاسی را به دست آورد. ایده‌ی تروریسم دولتی تاریخی به بلندای بروز جنگ میان انسان‌ها دارد. اگرچه حقوق بین‌الملل چنین شکلی از تروریسم را به رسمیت شناخته اما در حال حاضر از نظر سیاسی درمورد آن اجماعی وجود ندارد. اصولاً هر یک از کشورها خود را یک موجودیت سیاسی قانونی می‌دانند که ممکن نیست بتوان آن‌ها را تروریست دانست. زیرا تروریست بودن از نظر حقوقی مشخصاتی دارد که کشورها نمی‌توانند از آن برخوردار باشند. مثلاً، گروه تروریست موجودیتی غیرقانونی است در حالیکه یکی از جنبه‌های شناسایی کشورها، قانونی بودن آن‌هاست.

بروس هافمن معتقد است که "تفاوت کیفی بنیادینی میان دو نوع از تروریسم (دولتی و غیردولتی) وجود دارد. قوانین جنگ و هم‌چنین عرف‌هایی که توسط دولت‌ها مورد پیروی قرار می‌گیرند مانع به کارگیری بسیاری از تاکتیک‌های جنگی می‌شوند؛ مثلاً حمایت از گروه تروریستی توسط دولت‌ها ممنوع است." در عین حال که یک تفاوت کیفی میان خشونت اسرائیل و خشونت حماس وجود دارد - که همان زجری است که دکترین ضاحیه برای فلسطینیان ایجاد می‌کند - یک تفاوت کمی نیز میان اقدامات این دو وجود دارد و آن اختلاف فاحش میان قدرت سلاح‌های به کار رفته توسط اسرائیل با ادوات جنگی حماس است. مهم‌تر اینکه وقتی یک کشور عرف‌های بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد و رسماً اعلام می‌کند که هدفش دیگر نیروهای نظامی نیستند بلکه غیرنظامیان را به عنوان هدف حمله مشخص کرده است، آشکارا یک جنایت جنگی رخ داده است. اما فلسفه‌ی جنایت جنگی چیست؟ شاید بتوان فلسفه‌ی وجود این عنوان مجرمانه و سایر جرائم مربوط به زمان جنگ را کشاندن پای اخلاق به درون یک عمل غیراخلاقی دانست. یکی از جهات مورد مطالعه‌ی فلسفه‌ی جنگ، اخلاق در جنگ است. این بخش با یک سؤال مهم آغاز می‌شود: آیا جنگ از لحاظ اخلاقی قابل توجیه است؟ (دایره المعارف فلسفه/ فلسفه‌ی جنگ) در این بررسی

باید میان اخلاق از یک سو و عدالت از سوی دیگر قائل به تفکیک شویم. جنگ یک اقدام جمعی است که در آن نه تنها سؤالات اخلاقی زیادی مطرح می‌شود، بلکه مسائلی عمده در مورد ماهیت جنگجو نیز به میان می‌آید که پاسخ به سؤالات اخلاقی منوط به حل این مسائل است. مثلاً اینکه آیا این اقدام جمعی یا همان جنگ، باعث ایجاد مسئولیت برای تمام ملتی که دولتشان جنگ را آغاز کرده می‌شود؟ یا اینکه تنها مقاماتی که صلاحیت و قدرت اعلام جنگ را دارند مسئولند؟ آیا فقط فرماندهی یک بخش از ارتش مسئول رعایت اخلاق در جنگ است؟ یا اینکه تمام ارتش به عنوان موجودی واحد مسئول حفظ این اخلاق هستند؟ فرماندهی ارتش چه میزان از مسئولیت اعمال خشونت‌آمیز نیروهای تحت فرمان خود را باید بپذیرد؟ یک شهروند عادی یا همان غیرنظامی تا چه حد مسئول جنایت جنگی رخ داده توسط کشور خویش است؟

البته عده‌ای مانند صلح‌طلبان کلاً مخالف این ادعا هستند که می‌توان جنگ یا هرگونه خشونت دیگری را از نظر اخلاقی مجاز دانست. برخی دیگر معتقدند که در شرایطی خاص «شروع جنگ» می‌تواند اخلاقی باشد مثلاً وقتی جنگ به خاطر دفاع از خود باشد. در این میان صلح‌طلبانی نیز وجود دارند که معتقدند اگر جنگ به خاطر حفظ، بازگرداندن یا دفاع از صلح باشد امری اخلاقی خواهد بود. اما مسئله‌ی اخلاقی بودن شروع جنگ با حفظ اخلاق در خلال جنگ تفاوت بسیار دارد. فارغ از دلایل آغاز جنگ و مشروعیت آن، حفظ اخلاق و صیانت از کرامت انسانی از تعهدات اصلی افراد و کشورها در طی دوران جنگ است. این اخلاق ریشه در تاریخ طولانی جنگ‌ها دارد. حقوق جنگ یا همان حقوق بشردوستانه‌ی امروزی نتیجه‌ی سال‌های سال بی‌اخلاقی و ارتکاب به اعمال غیرانسانی در خلال جنگ‌ها بوده است. مهم‌ترین سند موجود در این بخش از حقوق بین‌الملل کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو است که پس از جنگ دوم جهانی و در سال ۱۹۴۹ تصویب شدند. این اسناد اسکلت قانونی حقوق بشردوستانه را می‌سازد.

پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو (۱۹۷۷) برای این طراحی شده که از قربانیان مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی و غیر بین‌المللی حمایت کند. بخش سوم ماده‌ی 51 قصد دارد غیرنظامیان را از حملات نظامی مصون نگاه دارد مگر آنکه غیرنظامیان نقشی مستقیم داشته باشند. برای گروه‌هایی مانند زنان (ماده‌ی ۷۶)، کودکان (ماده‌ی ۷۷)، پرسنل پزشکی غیرنظامی (ماده‌ی ۱۵) و روزنامه‌نگاران (ماده‌ی ۷۹) نیز حمایت ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. اگرچه اسرائیل به این معاهده ملحق نشده است اما مواد آن امروزه به صورت عرف درآمده و برای همه لازم الاجراست. هیچ کدام از اقدامات اخیر اسرائیل در غزه مطابق با این قوانین نیست. تردیدی وجود ندارد که آنچه در غزه در جریان است چیزی غیر از جنایت جنگی نیست.

پس از جنگ ۲۰۰۸، گزارش گلداستون در بیان وجوه استراتژی نیروهای اسرائیلی اعلام کرد که «ویرانی نامتناسب و خشونت خارج از عرف علیه غیرنظامیان، بخشی از یک سیاست عمدی بوده است». ماده‌ی ۵۱ پروتکل الحاقی کنوانسیون‌های ژنو حمله به نظامیان و غیرنظامیان بدون تفکیک قائل شدن را ممنوع می‌شمارد. اما این اتفاقی است که در غزه در حال وقوع است. دکترین ضاحیه طراحی شد تا با وارد آوردن فشار به مردم عادی و غیرنظامیان، نیروهای نظامی را از پا درآورد. این یک هدف سیاسی است. بنابر آنچه که قبلاً بیان شد، کاملاً واضح است که در غزه تروریسم دولتی در حال وقوع است. برای اجرای کامل دکترین ضاحیه باید تمام یا بخشی از یک ملت را نابود کرد. در سال ۱۹۴۸ سازمان ملل بیانیه‌ای صادر کرد که در آن تعریفی از یک جنایت بزرگ علیه بشریت ارائه شده بود: اقدام جهت نابودی تمام یا بخشی از یک گروه نژادی، قومی، ملی، مذهبی یا ایدئولوژیک. این اقدام یک نام دارد: نسل‌کشی.

داعش و تاریخچه این گروه تروریستی

دولت اسلامی عراق و شام به عربی (الدولة الاسلامیة فی العراق والشام) با نام اختصاری داعش یک گروه ستیزه جوی جهادگرای سلفی است که پیروی یک آموزه بنیادگرای وهابی از اسلام سنی است. این گروه که از ژوئیه ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرده است و خود را دولت اسلامی به عربی (الدولة الاسلامیة) می‌نامد؛ همچنین بخش‌های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه را با جمعیت‌های ۲۰۸ و ۸ میلیون نفر و بخش‌های کوچکی را در لیبی، نیجریه و افغانستان در تصرف خود دارد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی از مجاهدین سلفی جداشده از شبکه القاعده تأسیس شده و با دولت‌های عراق و سوریه و دیگر گروه‌های شورشی مخالف دولت سوریه وارد جنگ شده‌است. داعش یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه است. آن‌ها علاوه بر عراق و سوریه بخش‌هایی از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود دارند و گروه‌های هم‌پیمان آن در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و آسیای جنوب شرقی نیز فعال هستند.

ریشه داعش به جماعت توحید و جهاد می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به القاعده عراق معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرده و "مجلس شورای مجاهدین" را تشکیل داد که یک

قدرت مهم در استان انبار وسیعترین استان عراق محسوب می‌شد. در ۱۳ اکتبر همین سال مجلس شورا به همراه چند گروه شورشی دیگر «دولت اسلامی عراق» را تشکیل داد. ابویوب المصری و ابو عمر بغدادی دو رهبر اصلی دولت اسلامی عراق بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر بغدادی جایگزین آنها شد.

با آغاز جنگ داخلی سوریه نیروهای دولت اسلامی وارد سوریه نیز شدند و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «دولت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس با نام مخفف داعش معروف شدند. آنها به سرعت بخش‌هایی از شمال شرقی سوریه را تصرف کرده و شهر رقه را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه به عراق حمله کرده و موفق شدند رمادی و فلوجه مهمترین شهرهای استان انبار در عراق را به قلمرو خود اضافه کند. در ژوئن ۲۰۱۴ مهمترین موفقیت داعش با تصرف موصل - دومین شهر بزرگ عراق - به دست آمد. آنها در ماه‌های بعد نیز پیشروی‌های زیادی داشته و تا خرداد ۱۳۹۴ حدود نیمی از خاک سوریه و بخش‌های شمال غربی عراق را در تصرف خود دارند. داعش در این دوره بخش‌هایی از متصرفات خود را نیز از دست داده و از جمله شهر مهم تکریت را در فروردین ۱۳۹۴ به ارتش عراق و نیروی شبه‌نظامی حشد شعبی که برای جنگ با این گروه تشکیل شده، واگذار کرد داعش در اواسط نوامبر ۲۰۱۵ سنجار را هم از دست داد هم چنین در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۵ رمادی را از دست داد گفته می‌شود این دومین بار است که این گروه این شهر را از دست داده همچنین دولت عراق اعلام کرد که عملیات بعدی آنها تصرف موصل دومین شهر بزرگ عراق است و افزود که بعد از یک یا دو سال داعش را از عراق بیرون خواهند راند.

این گروه پس از گسترش متصرفات خود در ۲۹ ژوئن ۲۰۱۴ اعلام کرد که از این پس نام آن «دولت اسلامی» است و یک خلافت جهانی را تشکیل داده و ابوبکر بغدادی رهبر گروه را نیز به عنوان خلیفه معرفی کرد و فعالیت‌های حکومتی خود را گسترش داد (از جمله این اقدامها چاپ اسکناس با واحد دینار داعش و گذرنامه، درست کردن پلیس، صدور نفت، راه‌اندازی شبکه تلویزیون، برگزاری گشت‌های گردشگری است. هرچند ریشه داعش به گروه‌های مرتبط با شبکه القاعده می‌رسد اما با جبهه نصرت شاخه رسمی القاعده در سوریه وارد جنگ شده‌است و القاعده بارها نسبت داعش به خود را رد کرده‌است. شکاف بین القاعده و داعش به سال ۲۰۱۳ میلادی برمی‌گردد. الظواهری در این سال بعد از اینکه گروه داعش به بدرفتاری با شهروندان سوری و شورشیان رقیب متهم شد از این گروه خواست، فعالیت‌های خود را روشن سازد. ایمن الظواهری در گفتگویی اتهام‌ها در مورد این که بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه ممکن است برای ایجاد آشوب به داخل گروه‌های جهادی نفوذ کرده باشد را رد کرد و گفت: اگر من دستور

بدهم با برادران مجاهدت بجنگ، از من اطاعت نکن. اگر من دستور بدهم که خود را میان برادران مجاهدت منفجر کن از من پیروی نکن.

مصادیق جنایات جنگی در اعمال گروه داعش

مصادیق این جنایات نظیر جنایات علیه بشریت در اعمال گروه داعش متعدّدند که به ناچار به ذکر نمونه هایی از آنها اکتفا می‌گردد:

۱. جنایات جنگی علیه افراد غیرنظامی تقریباً اکثر مصادیق جنایات علیه بشریت در اعمال گروه داعش که در این مقاله بررسی گردید، علیه غیرنظامیان صورت گرفته است و شامل جنایات جنگی نیز می‌گردند از جمله قتل خبرنگاران، روزنامه نگاران، امدادگران، شهروندان قتل و تجاوز به زنان و کودکان (ایزدی، مسیحی، ترکمن، شیعه و ...).
۲. جنایات ارتكابی علیه مجروحان و اسیران جنگی در این مورد مصادیق متعدّدی در اعمال گروه داعش می‌توان یافت از جمله زنده سوزاندن خلبان اردنی و پخش فیلم این جنایت در فضای مجازی که در واقع اسیر جنگی محسوب می‌گردید.
۳. غارت اموال عمومی یا خصوصی در زمان جنگ مصادره و غارت اموال و منازل اقلیت های مسیحی، ایزدی، ترکمن و شیعیان از جمله در شهر موصل شامل غارت اموال خصوصی و هم چنین غارت اموال عمومی با ارزش و منحصر به فرد تاریخی فرهنگی موزه ها و اماکن تاریخی در نقاط مختلف عراق و سوریه از جمله موزه موصل نمونه ای از جنایات جنگی می‌باشد.
۴. تخریب شهرها و روستاهای اشغالی، کشتن نظامیانی که سلاح خود را بر زمین گذاشته یا وسیله ای برای دفاع از خود ندارند شامل جنایات جنگی می‌گردد که مصادیق آن را اعمال گروه داعش فراوانند از جمله جنایت داعش در پایگاه هوایی اسپایکر در عراق که طی آن حدود ۱۷۰۰ نفر از دانشجویان شیعه این دانشگاه را که غیرمسلح بودند اعدام کرد. و همچنین سربردن ۱۵ سرباز سوری بی دفاع و انتشار ویدیوی آن در اینترنت و ...

گروه تروریستی داعش (دولت اسلامی) جنایات متعدّدی را در مناطق تحت اشغال خود در عراق و سوریه مرتکب شده است. از جمله: قتل نظامیان و غیرنظامیان با شیوه های فجیع مثل سربردن، زنده سوزاندن، زنده به گور کردن، به بردگی گرفتن زنان و

فروش دختران، شکنجه، تجاوز جنسی، حبس کردن، نسل کشی (کردهای ایزدی، مسیحیان و ترکمن ها) غارت اموال عمومی، تخریب شهرها، روستاها و اماکن مذهبی و تاریخی و ... بنابراین گروه مذکور به موجب مواد ۶ و ۷ اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی مرتکب جنایات علیه بشریت و ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و همچنین عهدنامه های ۱۹۴۹ ژنو (عهدنامه های چهارگانه ژنو) و پروتکل های الحاقی شماره های ۱ و ۲ مورخ ۱۹۷۷ مرتکب جنایات جنگی گردیده است. و ضرورت دارد جامعه بین المللی و دولت عراق اقدامات و ضمانت اجراهای لازم را جهت محاکمه و مجازات سران این گروه تروریستی در دیوان کیفری بین المللی یا دادگاهی اختصاصی فراهم آورند.

جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی گروه داعش در عراق و سوریه

ظهور جنایات علیه بشریت دارای سابقه بوده و به قبل از دادگاه نورمبرگ بر می گردد. کنوانسیونهای ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه در مقدمه خود به «حقوق انسانی» اشاره می کنند ولی توصیفی از آن ارائه نمی دهند با این حال مفهوم جنایات علیه بشریت بیشتر در تعالیم اندیشمندان و نظرات حقوقدانان بین المللی جای داشته و تنها در محاکمات بعد از جنگ جهانی دوم است که افرادی به اتهام جنایات علیه بشریت محاکمه و مجازات می شوند و از این زمان به بعد عملاً این نوع از جنایات به عنوان اعمالی مسئولیت آور و قابل مجازات در صحنه بین المللی معرفی و شناخته می شوند .

اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در ماده ۷ خود در مورد جنایات علیه بشریت و احصاء موارد آن این طور تصریح می نماید :

1- منظور از جنایات علیه بشریت که در این اساسنامه آمده است هر یک از اعمال مشروحه ذیل است هنگامی که در چارچوب یک حمله گسترده یا سازمان یافته بر ضد یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می گردد و شامل:

الف) قتل

ب) ریشه کن کردن (قلع و قمع)

ج) به بردگی گرفتن

(د) تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت

(ه) حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی که برخلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام می‌شود .

(و) شکنجه

(ز) تجاوز جنسی، برده گیری جنسی، فحش‌های اجباری، حاملگی اجباری، عقیم کردن اجباری، یا هر شکل دیگر خشونت جنسی هم‌ردیف با آنها

(ح) تعقیب و آزار مداوم هر گروه یا مجموعه مشخص به علل سیاسی، نژادی، ملی، قومی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی یا علل دیگر که به موجب حقوق بین الملل غیر مجاز شناخته شده است .

(ط) ناپدید کردن اجباری اشخاص

(ی) جنایت تبعیض نژادی (آپارتاید)

(ک) اعمال غیر انسانی مشابه دیگر که عمداً به قصد ایجاد درد و رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا به سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد .

گروه داعش (دولت اسلامی) یکی از گروه‌های تروریستی فعال در عراق و سوریه است که فعالیت نظامی خود را از سال ۲۰۱۴ میلادی از سوریه آغاز کرد و بخش‌هایی از سوریه از جمله استان رقه را تصرف کرد. این گروه سپس به عراق حمله کرد و مناطقی از جمله استان انبار، موصل و تکریت را در عراق به تصرف و کنترل خود درآورد. داعش پس از تصرف موصل بیانیه‌ی تشکیل خلافت اسلامی با رهبری ابوبکر بغدادی را صادر کرد و در مدت کوتاهی به دلیل خشونت‌ها و مجازات‌های سنگین شهرت جهانی پیدا کرد.

این گروه در عراق و سوریه جنایتهای متعددی از جمله قتل‌های فجیع، خرید و فروش زنان و کودکان، تجاوز جنسی، قتل عام اقلیت‌های کرد ایزدی، مسیحی، ترکمن و شیعیان به بردگی گرفتن آنها، تخریب آثار باستانی و اماکن مقدس و ... مرتکب شده است .

جنايات عليه بشریت عبارت است از : «نقض عمدہ و فاحش ہر تعہد بین المللی کہ برای حفظ وجود انسان و تضمین حق ملتہا در تعیین آزادانہ سرنوشت آنان و تضمین حفظ محیط زیست اہمیت اساسی دارد» (جزء ب بند ۳ مادہ ۱۹ طرح مواد راجع بہ مسئولیت بین المللی کشورہا، مورخ ۱۹۹۶).

در طرح مذکور، از این جنايات بہ عنوان نمونہ هایی از جنايات عليه بشریت نام برده شدہ است: برده داری، کشتار جمعی یا نسل کشی (ژنوسید) تبعیض نژادی (آپارتاید)، استقرار یا حفظ جابرانہ سلطہ استعماری، آلودگی گسترده ہوا و دریا (مادہ ۱۹).

در اساسنامہ دیوان کیفری بین المللی، رسیدگی بہ جنايات عليه بشریت را در صلاحیت دیوان دانستہ است، اما هیچ تعریفی از جنايات عليه بشریت ارائه نکرده و تنها بہ ذکر مصادیق آن بسندہ کردہ است.

بہ موجب مادہ ۷ آن اساسنامہ، منظور از جنايات عليه بشریت، ہر یک از اعمال مشروحہ زیر است، بہ ہنگامی کہ در چارچوب یک حملہ گسترده و سازمان یافته علیہ یک جمعیت غیرنظامی و با علم بہ آن حملہ روی می‌دہد: قتل، ریشہ کن کردن انسان، بہ بردگی گرفتن، تبعید یا کوچ اجباری یک جمعیت، حبس کردن یا ایجاد محرومیت شدید از آزادی جسمانی کہ برخلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام می شود، شکنجہ، تجاوز جنسی و جسمانی کہ برخلاف قواعد اساسی حقوق بین الملل انجام می شود، شکنجہ، تجاوز جنسی، تعقیب و آزار مداوم ہر گروہ یا مجموعہ مشخص بہ علل سیاسی، نژادی، ملی و قومی، فرہنگی، مذہبی، جنسیت یا علل دیگر کہ در سراسر جہان بہ موجب حقوق بین الملل غیرمجاز شناختہ شدہ است، ناپدید شدن اجباری اشخاص، جنايات تبعیض نژادی و بالآخرہ اعمال غیرانسانی مشابہ دیگری کہ عامداً بہ قصد ایجاد رنج عظیم یا صدمہ شدید بہ جسم یا بہ سلامت روحی و جسمی صورت پذیرد .

قید عبارت «بہ ہنگامی کہ در چارچوب یک حملہ گسترده و سازمان یافته علیہ یک جمعیت غیرنظامی و با علم بہ آن حملہ»، دامنہ شمول جنايات عليه بشریت را محدود کردہ است.

در مورد جنايات کشتار جمعی یا نسل کشی (ژنوسید)، بہ رغم آن کہ این نوع جنايات بہ طور کلی در زمرہ جنايات عليه بشریت است، اما اساسنامہ دیوان، مادہ خاصی را بہ آن اختصاص دادہ است.

طبق ماده ۶ اساسنامه مذکور، منظور از کشتار جمعی یا نسل کشی، هر یک از اعمال مشروحه ذیل است که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی، از حیث همین عناوین ارتکاب می یابد: قتل اعضای یک گروه، ایراد صدمه شدید به سلامت جسمی یا روحی اعضای یک گروه، قرار دادن عمدی یک گروه در معرض وضعیتهای زندگی نامناسبی که منتهی به زوال قوای جسمی کلی یا جزئی آن بشود، اقداماتی که به منظور جلوگیری از توالد و تناسل یک گروه صورت گیرد، و انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.

بنابراین، در مجموع می توان جنایات علیه بشریت را بدون قید حصر به شرح زیر برشمرد:

بردگی انسان، کشتار جمعی یا نسل کشی دزدی دریایی در دریای آزاد، هواپیما ربایی و اختلال در امنیت هوایی تروریسم تبعیض نژادی قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان، جرایم ارتكابی علیه افراد مورد حمایت بین المللی، از جمله مأموران دیپلماتیک، شکنجه و آلودگی گستره محیط زیست هوا و دریا.

محاکمه داعش در دیوان بین المللی کیفری: چالش ها و موانع

آیا دست حقوق بین الملل در مقابل داعش بسته است؟

«دولت اسلامی عراق و شام» یا «داعش» از زمان اعلام وجود تا کنون مرتکب جنایات گسترده ای شده است. قتل های گسترده، جراحتهای پرشمار و نابودی اموال مردم عادی و زیرساخت های کشورهای چو ن عراق و سوریه تنها بخشی از جنایات به شمار می رود. «دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد» و «نماینده ویژه سازمان ملل متحد برای عراق» تخمین می زنند که تنها در فاصله زمانی میان ژانویه تا اوت سال ۲۰۱۴ تعداد ۸۴۹۳ نفر توسط داعش کشته و بالغ بر ۱۵۷۸۲ نفر از شهروندان عراقی زخمی شده اند. طی ماه های اخیر، داعش از پدیده تروریسم به عنوان یک تاکتیک جهت کسب کنترل نسبت به بخش های وسیعی از سرزمین ها در کشورهای مذکور و اعمال فشار به نیروهای نظامی این کشورها استفاده کرده است. در این سال ها رسانه های بین المللی از زوایای مختلفی به این سازمان تروریستی نگاه کرده اند؛ عضوگیری به تعداد بیش از ۳۰ هزار نفر، حملات نظامی به غیرنظامیان و اقلیت های قومی و مذهبی، برده داری و سوء استفاده جنسی در مقیاس گسترده و به صورت سیستماتیک، استفاده از

کودکان به‌عنوان سرباز و عوامل بمب‌گذاری‌های انتحاری، آدم‌ربایی، شکنجه و غیره، همگی از نقاط تمرکز رسانه‌های بین‌المللی بوده است. روز ۱۵ اوت سال ۲۰۱۴، شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه شماره ۲۱۷۰ از تمام کشورها عضو درخواست کرد تا «تمام اقدامات لازم را جهت عمل به تعهدشان مبنی بر مقابله با اقدامات تروریستی» انجام داده، «با شروع داعش مبارزه کرده» و عدالت را در مورد آن‌ها اجرا کنند.

علاوه بر این، شورای حقوق بشر سازمان ملل با تصویب قطعنامه S/22-1 از کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد خواست تا در یک مأموریت تحقیقاتی در عراق مشارکت و در مورد نقض حقوق بشر توسط داعش در این کشور تحقیق نماید و در این تحقیقات بکوشد تا ضمن ممانعت از اجرای اصل «مصونیت» در قبال سران و اعضای داعش، «مسئولیت کامل» وقایع رخ داده را در مورد آن‌ها به رسمیت بشناسد. متعاقباً در ۱۳ مارس ۲۰۱۵ دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارشی منتشر نمود و در آن به جزئیات اتهامات قابل اقامه در مورد اعضای سازمان تروریستی داعش اشاره کرد: جنایت علیه بشریت، جنایت جنگی علیه جمعیت غیرنظامی و نسل‌کشی از طریق قتل‌های هدفمند، جراحات جسمی جدی و کوچ اجباری برخی اقلیت‌ها، از نمونه‌های این اتهامات هستند. با این حال، علیرغم وجود این شواهد و مدارک متقن، جامعه بین‌المللی هنوز قدم خاصی جهت محاکمه و مجازات قانونی اعضای این سازمان برنداشته است. سهل‌انگاری حقوق بین‌الملل در برخورد با این فاجعه تاریخی سبب بروز یک سؤال مهم می‌شود: آیا حقوق بین‌الملل کیفری می‌تواند اقدامی جهت محاکمه و مجازات اعضای داعش انجام دهد و اگر پاسخ این سؤال مثبت است، آن اقدام چه خواهد بود؟

دیوان بین‌المللی کیفری چه اقدامی می‌تواند انجام دهد؟

بر اساس ماده ۱۳ اساسنامه رم، دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند در شرایطی اعمال صلاحیت کند که:

- (۱) یکی از کشورها عضو یک وضعیت را بر اساس ماده ۱۴ اساسنامه به دیوان ارجاع دهد؛ (۲) شورای امنیت سازمان ملل متحد یک وضعیت را بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد به دیوان ارجاع دهد؛ یا (۳) دادستان دیوان بین‌المللی کیفری بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه و بر مبنای اطلاعاتی که در مورد جرم و در چارچوب صلاحیت دیوان به‌دست آورده است، تحقیقاتی را آغاز نماید.

با در نظر گرفتن این که کشورهای عراق و سوریه عضو اساسنامه دیوان نیستند و به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیک نیز تمایلی به پیوستن به آن داشته باشند، دیوان بین‌المللی کیفری تنها زمانی می‌تواند صلاحیت خود را نسبت به اعضای داعش اعمال کند که شورای امنیت سازمان ملل متحد، وضعیت را به دیوان ارجاع داده و یا دادستان دیوان بر اساس ماده ۱۵ اساسنامه تحقیقاتی را در این زمینه آغاز کند. با این حال، به دلیل این که عراق و سوریه عضو اساسنامه دیوان نیستند، دادستان بر اساس بند اول بخش دوم ماده ۱۲ اساسنامه صلاحیت سرزمینی جهت آغاز و پیشبرد تحقیقات ندارد. از طرف دیگر، اگر مقامات عالی‌رتبه داعش تبعه کشورهای عضو اساسنامه دیوان باشند، بر اساس بند دوم بخش دوم ماده ۱۲ اساسنامه، دادستان می‌تواند علیه آن‌ها اقامه دعوی نماید.

در حقیقت، در بیانیه‌ای که دادستان دیوان روز ۸ آوریل ۲۰۱۵ صادر نمود، مشخص گردید که دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند «علیه آن دسته از اعضای داعش که کشور متبوعشان عضو اساسنامه دیوان است، اعمال صلاحیت شخصی نماید، حتی اگر صلاحیت سرزمینی در این خصوص وجود نداشته باشد.» دادستان هم‌چنین اظهار داشت که دفترش در مورد جنایات بین‌المللی مطرح شده در مورد اعضای داعش بازبینی‌هایی انجام داده است و در این بازبینی‌ها مسئله اعمال صلاحیت شخصی را نسبت به مقامات عالی‌رتبه داعش با تابعیت کشورهای عضو اساسنامه دیوان، لحاظ داشته است. از آن‌جا که اطلاعات مورد استفاده توسط دفتر دادستان بیانگر این حقیقت است که رهبران داعش اتباع کشورهای عراق و سوریه هستند، دادستان این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند که اعمال صلاحیت شخصی نسبت به این افراد با محدودیت‌هایی روبروست. با این حال با توجه به این که مقامات رده میانی سازمان داعش از اتباع کشورهای مختلفی هستند که بعضاً کشورشان در اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری عضویت دارند، دفتر دادستان دیوان می‌تواند علیه آن‌ها رأساً دست به اقدام بزند، اما این رویکرد نیز قطعاً از جانب جامعه بین‌المللی مورد انتقاد قرار خواهد گرفت، زیرا در صورت وارد شدن دیوان به قضیه داعش به این شکل، مقامات عالی‌رتبه آن‌ها از اجرای عدالت مصون خواهند ماند. هم‌چنین باید به این نکته نیز توجه کرد که برخی کشورها مانند بریتانیا، پیش از این فرآیند قانونی مقابله با آن دسته از اتباعشان را که برای پیوستن به داعش به خارج از مرزهای این کشور سفر کرده‌اند، آغاز نموده است و محاکمه برخی از آن‌ها در حال انجام است.

به نظر می‌رسد که تنها گزینه منطقی برای کشیدن پای مقامات داعشی به دیوان بین‌المللی کیفری، ارجاع وضعیت به این نهاد از جانب شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. این اقدام هم‌چنین می‌تواند عدم عضویت عراق در اساسنامه را که یک مانع بزرگ تلقی می‌شود، پشت سر بگذارد. با این حال، نگاهی گذرا به ترکیب شورای امنیت نشان می‌دهد که این گزینه نیز مشکلات عدیده‌ای به همراه دارد. ایالات متحده آمریکا عضو دائم شورای امنیت است و اخیراً برای سرکوب داعش دست به مداخله نظامی در خاک سوریه و عراق زده است. اگر دیوان بین‌المللی کیفری تحقیقات خود را پیرامون وقایع رخ داده در سوریه و عراق آغاز کند، عملیات نظامی آمریکا در این کشورها نیز مورد بررسی و تحقیق قرار خواهد گرفت و نتایج چنین تحقیقاتی می‌تواند آمریکا را دچار چالش‌های قانونی گسترده‌ای نماید. بنابراین، آمریکا تلاش خواهد کرد تا تحقیق در مورد عملیات نظامی خود را از دستور کار دفتر دادستان دیوان خارج نماید. در نتیجه، آمریکا و سایر کشورهای عضو شورای امنیت خواهند کوشید تا اتباع خود را از حوزه صلاحیت دیوان خارج کنند؛ همان‌طور که در قضایای دارفور و لیبی دست به چنین تلاشی زدند. نتیجه منطقی چنین وضعیتی، شکست در فرآیند تصویب هرگونه قطعنامه جهت ارجاع قضیه به دیوان خواهد بود که نمونه آن را سال گذشته مشاهده کرده‌ایم. در سال ۲۰۱۴ تلاش‌هایی جهت تصویب قطعنامه‌ای در شورای امنیت در راستای ارجاع وضعیت سوریه به دیوان بین‌المللی کیفری انجام شد که نهایتاً با ۱۳ رأی موافق و دو رأی مخالف به نتیجه نرسید.

موانع تعقیب داعش، در دیوان کیفری بین‌المللی

بدون تردید، جرایمی که توسط گروهک تروریستی تکفیری داعش در دو کشور عراق و سوریه در حال انجام است. کاملاً بر مواد ۵ تا ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی) منطبق است.

دادگاه کیفری بین‌المللی با نام لاتین " **International Criminal Court** " یا اختصاری **ICC** دارای یک اساسنامه ی الزام آور برای دولتهای عضو است که در ۱۵ ژوئن ۱۹۹۸ در رم به تأیید نمایندگان ۱۲۰ دولت رسید و در ۱ ژوئیه ۲۰۰۲ با تصویب آن توسط ۶۰ کشور موجودیت پیدا کرد. بنا بر اعلام سایت رسمی دیوان، تا اول فوریه سال ۲۰۱۲ میلادی تعداد ۱۲۰ عضو جامعه جهانی به اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی موسوم به اساسنامه رم پیوسته اند. قلمرو صلاحیت دیوان محدود به چهار گروه از

جنایات است که عبارتند از: جنایت نسل کشی، جنایات بر ضد بشریت، جنایات جنگی و جنایت تجاوزارزی که در ماده ۵ اساسنامه احصاء گردیده اند. بعلاوه تابعان دیوان افراد حقیقی بالای ۱۸ سال تمام می باشند و مفاد اساسنامه برای دولتهایی که جدیداً به اساسنامه پیوندند عطف بماسبق می شود (به زمان لازم الاجرا شدن اساسنامه) بر می گردد. به هر حال دیوان کیفری بین الملل زمانی اقدام به تعقیب می نماید که ارجاع پرونده به یکی از اشکال و شرایط خاص زیر اتفاق بیافتد. (مواد ۱۳ و ۱۴ اساسنامه ، به موضوع اعمال صلاحیت قضایی دیوان پرداخته اند).

۱- ارجاع به دادستان دیوان توسط یکی از کشورهای عضو اساسنامه ؛ {مطابق بند الف ماده ۱۳ اساسنامه ی دیوان و براساس ماده ۱۴ اساسنامه } . البته دیوان در صورتی می تواند صلاحیت خود را اعمال نماید که یکی از شروط زیر اتفاق بیافتد. الف- حداقل یکی از دولت هایی که در قلمرو آن ، جنایت مورد نظر روی داده باشد یا در صورتی که آن جنایت در کشتی یا هواپیما ارتکاب یافته ، دولتی که آن کشتی یا هواپیما در آن به ثبت رسیده است عضو اساسنامه باشد ب- یا دولتی که شخص مورد تحقیق یا تعقیب ، تبعه آن است عضو اساسنامه باشند

۲- ارجاع به دادستان دیوان توسط یکی از کشورهای غیرعضو اساسنامه ، که جرم در قلمرو آن باشد و صلاحیت دیوان را بر {طبق بند ۳ ماده ۱۲} پذیرفته باشند (از طریق سپردن اعلامیه ای نزد رئیس دبرخانه).

۳- ورود شخص دادستان با تحقق یکی از دوشروط الف و ب در بند ۱ { به موجب ماده ۱۳ و ۱۵ اساسنامه } دادستان می تواند راساً بر اساس اطلاعاتی که در مورد جرایم مشمول صلاحیت دیوان بدست می آورد تحقیقات را آغاز نماید.

۴- ارجاع از سوی شورای امنیت ؛ {بر اساس بند ب ماده ۱۳ اساسنامه ی دیوان کیفری بین المللی} شورای امنیت وضعیتی را که در آن یک یا چند جرم به نظر می رسد ارتکاب یافته است به موجب فصل ۷ منشور ملل متحد به دادستان ارجاع نماید . ارجاع

وضعیت توسط شورای امنیت به دیوان ، دیوان را قادر می سازد که جرایم ارتكابی توسط کشورهای بی که عضو اساسنامه نیستند یا جنایات واقع در چنین کشورهایی ، را بدون نیاز به قبول صلاحیتش از سوی این کشورها مورد تعقیب قرار دهد.

با این مقدمات ، به موانع تعقیب داعش در دیوان کیفری بین المللی می پردازیم . بدون تردید ، جرایمی که توسط گروهک تروریستی تکفیری داعش در دو کشور عراق و سوریه در حال انجام است . کاملاً بر مواد ۵ تا ۹ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی . (جنایت علیه بشریت و جنایات جنگی) منطبق است . جرائمی همچون اعدام های دسته جمعی و سوء استفاده جنسی و تجاوز و همچنین شکنجه و نسل کشی . لکن دیوان برای پیگیری این جرائم باید قادر به اعمال احراز صلاحیت خود باشد.

با توجه به توضیحات بالا از آنجا که دولتهای عراق و سوریه عضو اساسنامه نمی باشند و اعلامیه ای نزد رئیس دبیرخانه نیز ارائه نداده اند عملاً تحقق تعقیب وجود ندارد . از طرفی چون مبنای تعقیب دیوان ، برای افرادی است که دارای بالاترین مسؤلیت کیفری هستند لذا چنانچه بخواهیم خارجیانی که در این دو کشور حضور دارند (حدود ۳ هزار تبعه کشورهای اروپایی) به دلیل اینکه دولتهای این افراد عضو اساسنامه هستند و مرتکب جرایم در صلاحیت دادگاه می شوند تعقیب شوند نیز وجود ندارد چرا که این افراد بالاترین مسؤلیت کیفری ندارند (استدلال فاتو بنسودا، دادستان دیوان کیفری بین المللی در این خصوص این است که ایشان بر این اعتقاد است که گروه داعش به عنوان یک سازمان، توسط اتباع عراقی و سوری هدایت و رهبری می شود) .

از طرفی درباره اتباع خارجی عضو داعش که دولت متبوع آنها در زمره کشورهای عضو اساسنامه است و در این دو کشور مرتکب جنایت شده اند، باید صلاحیت تکمیلی خود را نیز مورد توجه قرار دهد. بدین نحو که بنا بر بند ۱ ماده ۱۷ اساسنامه دیوان در صورتی که دولت صلاحیتدار به موضوع رسیدگی نکند، می تواند اعمال صلاحیت بنماید و تعقیب این خارجیان باید پس از اطمینان دیوان از تعقیب نشدن آنها توسط دولتهای خود آنها می باشد . در حال حاضر در خصوص تعقیب داعش در دیوان دو راه وجود دارد یا دولتهای سوریه و عراق به اساسنامه بپیوندند که آنهم به نظر اینجانب با توجه به شرایط موجود و تأثیر گذاری مواد اساسنامه

در حقوق داخلی کشورهای اسلامی دارای تالی فاسد خاص خود است. راه حل دیگر تعقیب، ارجاع از سوی شورای امنیت است که بهترین گزینه می باشد، متأسفانه بدلیل حق وتو دولتهای عضو دائم، خصوصاً آمریکا، فرانسه و انگلیس امکان چنین امری وجود نداشته و حمایت این دولتها در عرصه ی حقوق بین المللی از داعش را تأیید می نماید.

آمریکا و دولتهای فرانسه و انگلیس چنانچه بخواهند در عرصه ی بین الملل، حمایت خود را از داعش پایان یافته بدانند و این موضوع را اثبات کنند باید تعقیب داعش را از طریق شورای امنیت به دیوان کیفری ارجاع دهند {بند ب ماده ۱۳ اساسنامه} این در حالیست که این گروه تروریستی توسط آمریکا تأسیس و حمایت می شود و در رویه چنین امری با مشکل روبروست.

جنگ داعش با اشکانیان

پالمیرا یکی از ارزشمندترین شهرهای باستانی خاورمیانه، در گذشته هدف حمله نیروهای داعش قرار گرفته است.

به گزارش مشرق، بعد از تخریب شهر هترا بی نظیرترین میراث اشکانیان در خارج از خاک ایران نوبت به شهر پالمیرا رسیده است. پالمیرا یکی از ارزشمندترین شهرهای باستانی خاورمیانه است که در چند روز گذشته هدف حمله نیروهای داعش قرار گرفته است. این نگرانی وجود دارد که در صورت تصرف شهر، نیروهای داعش به معبد زیبا و آثار باستانی تدمر در پالمیرا آسیب برسانند.

این نخستین باری نیست که دست ویرانگر داعش به جان میراث فرهنگی افتاده است. هنوز سه ماه از نخستین دست درازی این گروهک افراطی به آثار باستانی در کشور عراق نگذشته است که آنها تعرض دوباره خود را به این آثار باستانی آغاز کردند. در اسفند سال گذشته اعضای این گروهک تروریستی بعد از تصرف شهر موصل به موزه این شهر حمله بردند و آثار و مجسمه های باستانی و تاریخی را تخریب کردند.

اعضای داعش همچنین تعدادی از مجسمه های سنگی تاریخی در اطراف شهر موصل را نیز تخریب و نابود کردند. آثار تاریخی که در این موزه وجود داشتند مربوط به دوره تمدن آشوری ها و بابلی ها بودند. قدمت برخی از این آثار و مجسمه ها به قرن ۷ قبل از

میلاد برمی‌گشت و برخی ۱۰ هزار ساله بودند. تاریخ ۱۰ هزارساله زیر ضربات پتک و چکش داعش نابود شد. این اقدامات ضدفرهنگی داعش موجی از اعتراض و نفرت را در میان دوستداران میراث فرهنگی و شهروندان عادی به وجود آورده است.

اما دست‌درازی داعش به میراث تاریخی فقط معطوف به این یک مورد نبود. مدت کوتاهی بعد از تخریب موزه موصل داعش تعرض به خرابه‌های شهر باستانی هترا (حضر) را آغاز کرد. شهر هترا از معدود آثار به‌جامانده از دوران اشکانی، قدمتی بیش از دوهزار سال دارد و خرابه‌های این شهر با دیوارها و ستون‌های بلند، نمونه بارزی از شهرهای آن دوران به‌شمار می‌رود.

گروه تروریستی داعش خرابه‌های شهر باستانی هترا را به طور کلی تخریب کرد. گزارش‌های مربوط به تخریب شهر هترا درحالی منتشر شدند که خبرها از تخریب شهر باستانی نمرود توسط داعش حکایت می‌کردند. شهر تاریخی نمرود که از آن به عنوان نگین تمدن آشوری یاد می‌شود در قرن ۱۳ پیش از میلاد و در حاشیه رود دجله، حدود ۳۰ کیلومتری جنوب‌شرقی موصل، بنیان گذاشته شد. سازمان یونسکو تخریب شهر باستانی نمرود را جنایت جنگی خوانده و این اقدام داعش با خشم باستان‌شناسان نیز مواجه شده است.

این نخستین باری نیست که گروه‌های افراطی دست به نابودی تاریخ می‌زنند. پیش از این طالبان در افغانستان نیز دست به تخریب آثار باستانی و نابودی آنها زده بود. به آتش کشیدن مجسمه‌های بودا توسط طالبان و نابودکردن آنها اوج شرارت این نیروهای افراطی در حق تاریخ بود.

تندیس‌های بزرگی که در دل کوه در استان بامیان افغانستان ساخته شده‌اند، مورد حمله طالبان قرار گرفت. این دو تندیس به بلندی ۵۳ متر و ۳۵ متر، در کنار مجموعه‌ای از بناهای تاریخی در این محل برای زمانی طولانی از جاذبه‌های اصلی گردشگری در افغانستان بودند. تندیس‌های بودا در بامیان، تا قبل از آنکه در زمان حاکمیت طالبان تخریب شوند، بزرگ‌ترین تندیس‌های بودا و بلندترین مجسمه‌های سنگی در جهان به‌شمار می‌آمدند.

این بار گروهک تروریستی داعش در حال نزدیک شدن به دومین شهر باستانی اشکانی است. به‌تازگی یونسکو و ۱۱ کشور عربی در نشست راه‌های مبارزه با تخریب‌گری داعش علیه میراث فرهنگی جهان را برگزار کردند. در خلال همین نشست خبر پیشروی این

نیروها به سمت شهر باستانی پالمیرا شنیده شد. چهاردهم مه، نیروهای داعش توانستند بعضی از ساختمان‌ها در حاشیه شرقی شهر را تصرف کنند اما چند ساعت بعد گزارش شد که نیروهای ارتش سوریه توانسته‌اند جلوی پیشروی آنها را بگیرند.

پالمیرا یا تدمر نام شهری باستانی در کشور سوریه است. شهر تدمر را اشکانیان در زمان حکومت وسیع خود که تا صحرای شامات گسترده شده بود بنا کردند ولی خیلی زود به دلیل حمله‌های رومیان این شهر از خاک ایران جدا شد و در اختیار رومیان قرار گرفت. بعد از آن این شهر پایتخت ملکه -زنوبیا ملکه سوریه و ملکه شرق شد. این شهر زیبا یکی از مهم‌ترین ایستگاه‌های تجارتهای بین آسیا و اروپا در نیمه دوم قرن اول قبل از میلاد بوده است. این شهر باستانی در سال ۱۹۸۰ به فهرست میراث جهانی یونسکو اضافه شد و تا قبل از جنگ داخلی سوریه گوهری ارزشمند برای صنعت گردشگری سوریه محسوب می‌شد اما هم‌اکنون حتی اگر از دست داعشیان نیز جان به در برد از میراث تخریب و ویرانی جنگ نمی‌تواند کمر راست کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به این‌که قرار است اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری «کشورها و غیرکشورها را در فضای بین‌المللی یکسان بداند»، مهم‌ترین چالش این نهاد در برخورد با داعش، تعیین این مسئله خواهد بود. کدام‌یک از این دو (کشور یا غیرکشور) اهمیت کمتری دارند؟ دلیل وجود چنین چالشی آن است که دیوان حتی برای اجرای جزئی‌ترین وظایف خود به جامعه بین‌المللی و کشورهای عضو اساسنامه وابسته است. اساسنامه رم در پی آن است که میان دو نفع بین‌المللی ناسازگار، سازگاری ایجاد کند: حاکمیت کشورها و حاکمیت بین‌المللی قانون. در مورد قضیه داعش این امکان وجود دارد که دیوان پس از سال‌ها این چالش بزرگ را پشت سر بگذارد. حال سؤال اصلی این است که آیا حقوق بین‌الملل در نهایت تسلیم تمامیت‌خواهی کشورها خواهد شد؟

لذا با در نظر داشتن تمامی موارد ذکر شده در متن این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که مبارزه با چنین گروه تروریستی جنایتکاری مستلزم یک همکاری بین‌المللی و هماهنگی تمام جانبه در بین دول اسلامی جهان می‌باشد.

منابع

1. UN Human Rights Office of the High Commissioner for Human Rights and the UN Assistance Mission for Iraq, *Report on the Protection of Civilians in Armed Conflict in Iraq: 6 July – 10 September 2014*, at i (2014), available at: http://www.ohchr.org/Documents/Countries/IQ/UNAMI_OHCHR_POC_Report_FINAL_6July_10September2014.pdf.
2. *Statement of the Prosecutor of the International Criminal Court, Fatou Bensouda, on the Alleged Crimes Committed by ISIS*, International Criminal Court (Apr. 8, 2015), http://www.icc-cpi.int/en_menus/icc/press%20and%20media/press%20releases/Pages/otp-stat-08-04-2015-1.aspx.
3. Counter Terrorism and Security Act, c. 6, 2015 (Eng.). For information on individuals prosecuted in the UK see *Tracking Britain's Jihadists*, BBC News (May 21, 2015), <http://www.bbc.co.uk/news/uk-32026985>.
4. Leila Sadat, *The International Criminal Court and the Transformation of International Law: Justice after the New Millennium* 8 (2002).
5. Bruce Broomhall, *International Justice and the International Criminal Court* 151–162 (2003).

۶. اسانامه دیوان بین‌المللی کیفری، ماده ۱۳، ۱۷ جولای ۱۹۹۸، 2178 U.N.T.S. 90

۷. شریفی طراز کوهی، حسین؛ جنایات جنگی در مناقشات مسلحانه ی غیر بین‌المللی، مطابق اسانامه ی

دیوان بین‌المللی کیفری. مجله: سیاست خارجی " پاییز ۱۳۷۹ - شماره 2655 " صفحه - (از ۶۷۳

تا ۶۹۸)

۸. سیدزاده ثانی، سیدمهدی؛ فرهادی آلاشتی، زهرا؛ جنایات جنگی در منازعه های داخلی و بین المللی

مبانی و مصادیق تمایز . مجله : پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل « پاییز و زمستان ۱۳۹۳، سال

سوم - شماره ۱ علمی-پژوهشی /ISC (28 صفحه - از ۴۴ تا ۷۱)